

ابهامات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

در ادامه بحث های ویژه انتخابات آمریکا، در این شماره به صورت ویژه ابهامات برگزاری این دوره از انتخابات را احصا شده است. ابهاماتی که اغلب در پرداخت به این موضوع کمتر مورد توجه قرار می گیرد و هر کدام به تنهایی قادر است جریان سازی را در سطح جامعه ایجاد نماید.

پرداخت مناسب به هر کدام از این ابهامات می تواند با برجسته سازی نقاط ضعف دموکراسی آمریکایی، باورپذیری بیشتری در مورد واقعیات جامعه آمریکایی را در بین افکار عمومی کشور به دنبال داشته باشد.

در روزهای اخیر، اخبار زیادی مبنی بر قبول نکردن نتیجه انتخابات توسط رئیس جمهور فعلی آمریکا «دونالد ترامپ» در انتخابات ۲۰۲۰ منتشر شده است. پیشتر نیز خود او در اولین مناظره خود با «جو بایدن» از پاسخ به این سوال که آیا نتایج انتخابات را خواهد پذیرفت، طفره رفته و گفته بود: اگر انتخابات منصفانه باشد، من صددرصد همکاری خواهم کرد. ولی اگر بینم که ده ها هزار رای دستکاری می شوند، نمی توانم این را بپذیرم.»

رئیس جمهور آمریکا در اظهارنظرهای خود به قدری شکست در مقابل نامزدی مثل بایدن را غیرعادی دانسته بود که به طنز و کنایه گفته بود: اگر در مقابل او شکست بخورد دیگر جایی برایش در آمریکا نخواهد بود و باید کشور را ترک کند.

مشاور امنیت ملی آمریکا نیز به پولتیکو گفته بود: اگر او [ترامپ] در انتخابات شکست بخورد، مطمئنم که قدرت را تحویل خواهد داد. اما باید مطمئن شویم که هیچ تقلبی در انتخابات صورت نگرفته و ما همچنین باید مطمئن شویم که یک انتخابات آزاد و منصفانه برگزار شده، دقیقاً همانطور که از دیگر کشورهای خارجی می خواهیم. ما باید از خودمان نیز این درخواست را داشته باشیم ...

شائبه تقلب در انتخابات بویژه با توجه به پستی شدن رای گیری در برخی ایالت ها و افزایش آراء پستی به دلیل شیوع ویروس کرونا، افزایش پیدا کرد.

ساختار انتخابات آمریکا و قوانین مربوط به آن هم دارای ابهامات فراوانی است. خبرهای زیادی مبنی بر افزایش خرید اسلحه و فشنگ در آمریکا در هفته های اخیر به گوش رسیده. این موضوع نگرانی زیادی بابت ایجاد درگیری مسلحانه بعد از انتخابات آمریکا ایجاد کرده. البته احتمالاً این مسئله بیشتر در شهرهای کوچک و روستاها اتفاق می افتد؛ زیرا در شهرهای بزرگ قوانین حمل سلاح بسیار سختگیرانه تر است و افراد نیز کمتر از آن استفاده می کنند، چون تبعات بیشتری برای آنها دارد.

در این گزارش سعی شده است به روندهای ابهام زا در انتخابات آمریکا پرداخته شود که می تواند زمینه ساز آشوبگردهد.

رای گیری پستی

در ۲۷ ایالت رای گیری زودهنگام شروع شد. (۸ ایالت به صورت حضوری و ۱۹ ایالت به صورت پستی) و بیش از ۴۰ میلیون نفر به این صورت رای داده اند.

رای گیری در برخی ایالت ها کاملاً به صورت پستی انجام شده و در برخی دیگر در صورت تمایل افراد، تعرفه های رای برای آنها ارسال شده بود.

افرادی که تمایل داشتند به صورت پستی رای بدهند، باید رای خود را روی تعرفه ها نوشته و آن را داخل یک پاکت قرار می دادند؛ سپس اطلاعات لازم روی پاکت را پر کرده و آن را درون پاکت دوم و پاکت دوم را نیز داخل پاکت سوم قرار داده و آن را درون صندوق های رای می انداختند.

حال ممکن بود بعضی افراد رای خود را درون یک پاکت و یا دو پاکت قرار دهند؛ در نتیجه رای آنها جزو آراء باطله محسوب می شد.

با توجه به برخی گزارشات، گفته می شود تعداد آراء باطله زیاد و همین مسئله ایجاد ابهام کرده است.

مسئله دیگر که مربوط به رای گیری پستی است، سوزاندن صندوق های تعبیه شده برای این کار می باشد که چند روز قبل این اتفاق در بخش لوس آنجلس ایالت

کالیفرنیا رخ داده و تعدادی رای پستی از بین رفته. این کار احتمالاً توسط طرفداران ترامپ انجام شده است. امکان دستبرد به صندوق ها نیز وجود دارد.

۱- شرکت های شمارش رای

شمارش آراء انتخاباتی توسط چند شرکت انجام می شود و کاندیداهای انتخابات، بر سر صندوقها ناظر ندارند. گفته می شود اکثر شرکت های شمارش رای، دموکرات هستند.

۲- آرای الکتروال

رئیس جمهور آمریکا را در اصل مجمع الکتروال (Electoral College) انتخاب می کنند این آرا ممکن است در صورت مواجه شدن با ابهام یا شبهه یا تقلب کار به مجلس نمایندگان بکشد؛ که اکثریت مجلس نمایندگان در اختیار دموکرات ها است.

۳- فروش اطلاعات رای دهندگان

به ادعای شبکه «NBC NEWS»، «متخصصان امنیت سایبری گفته اند هرکها اطلاعات ۱۸۰ میلیون رای دهنده آمریکایی را فروخته اند.» این مسئله می تواند روی بررسی رای ها تاثیر بگذارد.

۴- ادعای دخالت کشورهای دیگر در انتخابات آمریکا

تاکنون تعداد زیادی از مقامات آمریکا، از جمله رئیس جمهور این کشور و همینطور افراد برجسته حزب دموکرات و کاندیدای این حزب، ادعا کرده اند روسیه، ایران و چین قصد دخالت در انتخابات آمریکا را دارند.

NBC NEWS به نقل از مقام امنیت ملی آمریکا گفته است که:

«روسیه و ایران داده های رای دهندگان آمریکایی را در کارزار دخالت در انتخابات به دست آورده اند.»

همچنین پولیتیکو به نقل از مقامات فدرال ادعا کرده است:

«ایران پشت تبلیغات و ایمیل هایی است که از شورش در آمریکا حمایت کرده و علیه ترامپ مردم را می ترساند.»

همچنین روسیه هم متهم شده است که به نفع ترامپ کار می کند.

«نانسی پلوسی، رئیس دموکرات مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا روز پنجشنبه در واکنش به گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا درباره دخالت کشورهای خارجی در انتخابات ریاست جمهوری این کشور گفت: «در حالی که ایران "بازیگر بدی" است، روسیه شرور واقعی است.» دموکرات ها روسیه را متهم می کنند که برای پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات تلاش می کند. جمهوری خواهان نیز می گویند ایران در پی موفقیت «جو بایدن» در انتخابات است. البته روسیه و ایران این موضوع را رد کرده اند.

۵- نظارت بر صندوق های رای

کاندیداهای ریاست جمهوری ناظری بر سر صندوق های رای ندارند و قوانین مشخصی هم برای نظارت طرفداران کاندیداها بر روند رای گیری وجود ندارد. این خلاء قانونی باعث شده است «ترامپ» از طرفداران خود بخواهد که به مراکز رای گیری بروند و به دقت نظارت کنند.

او در مناظره اول خود با «جو بایدن» به طرفداران خود گفته بود: «من از هوادارانم می خواهم که به صندوق های رأی مراجعه کنند و بسیار دقیق نظارت کنند، زیرا این چیزی است که باید اتفاق بیفتد.»

نظارت طرفداران بر صندوق ها تاثیری بر شمارش ندارد. صرفا می توانند به کاندیداهای موردنظر خودشان گزارش کنند و او هم طبق آنها به دیوان عالی شکایت کند تا رای های یک صندوق دوباره شمرده شود.

۶- دیوان عالی

طبق قانون اساسی آمریکا، وظیفه رسیدگی به اختلافات و شکایات موجود در انتخابات ریاست جمهوری برعهده دیوان عالی این کشور است. عضویت در این نهاد مادام العمر است و تا زمانی که قضات عضو، استعفا ندهند یا فوت نکنند، جایگزین نمی شوند.

این افراد توسط رئیس جمهور به سنا معرفی و با تایید سنا عضو این نهاد می شوند. ۹ قاضی عضو این نهاد هستند. اگر چه قضات این نهاد ادعای فراحزبی بودن دارند اما ۶ نفر از آنها جمهوری خواه و ۳ نفر، دموکرات هستند.

اگر کار به دیوان عالی بکشد و صدور رای این نهاد درباره انتخابات به طول انجامد، مراسم تحلیف در روز مقرر انجام می شود و کاندیدایی که بیشترین رای را آورده است به عنوان رئیس جمهور سوگند یاد می کند تا زمانی که رای دیوان عالی صادر شود.

در هیچ کدام از قوانین آمریکا - از جمله قانون اساسی - عنوان نشده است که الزاما باید تعداد اعضای این نهاد ۹ نفر باشد؛ به همین دلیل جمهوری خواهان این نگرانی را داشتند که «جو بایدین» در صورت پیروزی، پس از اجرای مراسم تحلیف طبق دستوری، تعداد اعضای این نهاد را افزایش داده و قضات دموکرات بیشتری را وارد این نهاد کند.

به همین جهت، «تد کروز» سناتور جمهوریخواه آمریکا، چند روز قبل از پیشنهاد اصلاحیه قانون اساسی مبنی بر عدم توانایی اضافه کردن عضو جدید مازاد بر ۹ نفر به دیوان عالی توسط رئیس جمهور را ارائه کرده بود.

به هر حال در شرایط فعلی که رسانه های معتبر آمریکایی پیروزی جو بایدین را در انتخابات اعلام کرده و ترامپ به عنوان بازنده گفته است که بایدین و دمکرات ها انتخابات را دزدیده و تقلب کرده اند و شکایت حقوقی خود را به مراجع قضایی ارسال خواهد کرد باید منتظر بود تا نتیجه توسط مراجع رسمی و قانونی اعلام گردد که قطعا تا این اعلام، آمریکا با شرایط بسیار بحرانی بویژه از طرف نامزدها بویژه بازنده مواجه خواهد بود..

اوج گیری جنگ شناختی دشمن و راه مقابله با آن

این روزها، به کمک یک دستگاه گوشی تلفن همراه، امکان قابلیت تبدیل یک تجربه موضوعی جنجال برانگیز ایجاد شده است. نزدیک شدن به سالگرد آشوبهای بنزینی در ۲۶ آبان ماه ۹۸ و ایستگاههای بعدی، تا انتخابات ریاست جمهوری، موجب تشدید اینگونه جو سازی ها خواهد شد. آشنایی بیشتر با راهبردها و تاکتیکها و تکنیکهای این سلسله عملیات رسانه ای، ما را با اتخاذ مواضع درست کمک خواهد کرد. این مقاله با نگاهی به حوادث جنجالی این روزها لایه های پشت صحنه ی آن را بررسی می کند و در پایان، «قول سدید» را به عنوان راهبرد اصلی نهاد امامت در مقابله با دشمن، پیشنهاد می دهد که به آن خواهیم پرداخت.

هر حادثه؛ کوچک یا بزرگ! دستمایه ی خبرسازی دشمن

در چند هفته هفته اخیر حوادث کوچک و بزرگی رخ داده است که کم و بیش با آن آشنا هستیم. برخی نمونه ها، عبارتند از:

۱-گرداندن اوباش و قمه کشان در خیابان های رشت و نحوه برخورد ماموران و بزرگنمایی یک اشتباه برای کوچک نمایی سرعت عمل و قاطعیت آرامش بخش نیروی انتظامی.

۲- بهره برداری شیطنت آمیز از خودکشی یک دانش آموز پسر در بندر دیر و یک دختر در ارومیه، حمله اوباش به بسیجی آمر به معروف و ناهی از منکر؛ شهید محمدی، که در مارپیچ سکوت استکبار رسانه ای قرار گرفته و کوچک نمایی شد.

۳- حادثه ی ضرب و شتم یک دختر در آبادان و خطای غیراخلاقی یک مامور نیروی انتظامی و درشت نمایی آن در رسانه های بیگانه و پیاده نظام آن در داخل.

۴-فضاسازی از حادثه دعوی خانوادگی یک فرد معتاد در مشهد و خطای مامور نیروی انتظامی؛

نمونه های فوق مهم ترین حوادثی است که حجم زیادی از خیرسازی های رسانه ای را در روزهای اخیر تشکیل می دهد. این نحوه عملیات حکایت از آن دارد که دشمن درصدد است از هر حادثه کوچک یا بزرگی، جنجال بیافریند و روز بروز بر شدت آن بیافزاید و فضا را به سمت و سوی تشنج و آشوب سوق دهد.

اهداف دشمن از جنگ رسانه ای در این مقطع زمانی

اول- بی ثبات سازی با شبکه سازی گسترده در فضای مجازی با اهدافی چون جمع آوری اخبار و اطلاعات مختلف و به هم پیوند دادن آنها برای جریان سازی رسانه ای.

دوم- بهره گیری از ابزار مکمل رسانه ای برای شعله ورسازی التهابات اجتماعی (پیام رسانهایی نظیر تلگرام و شبکه های اجتماعی نظیر اینستاگرام) برای انتقال سریع اخبار و پیامهای جعلی، شایعات، دوقطبی سازی، فریب و جریان سازی رسانه ای.

سوم- تشدید فاصله بین مردم و مسئولان با ایجاد ناامنی ذهنی، و تشتت افکار عمومی، برای عصبانی سازی مردمی که درگیر مشکلات مختلف اقتصادی بوده و از شرایط موجود ناراحت و ناراضی اند. دشمن در این شرایط می کوشد تا با ایجاد ایجاد موج های رسانه ای ساختارشکن منفی و سازمان یافته، مخاطبان خود را سردرگم و آشفته کند و چنین القاء نماید، که رهبران سیاسی و نظام به نظرات و خواسته های اجتماعی مردم بی توجه هستند.

چهارم- ایجاد التهابات و تنش های اجتماعی توسط فضای مجازی و تبدیل آن به آشوب های بی سر در کف جامعه با رنگ و بوی براندازانه و زنانه و سوء استفاده از برخی از افراد از اقشار محروم جامعه؛ مانند فتنه ۸۸ که فیس بوک و توئیتر این نقش را بر عهده داشتند، در فتنه های ۹۶ و ۹۸ پیام رسان تلگرام و واتس اپ و

شبکه اجتماعی اینستاگرام آتش بیار معرکه شدند و اکنون نیز هم آنها در صدد یارگیری اند.

پنجم- تداوم و تشدید آشوب به منظور فروپاشی درونی نظام یا تغییر رفتار مسؤولان و مردم در برابر فشارهای ترکیبی دشمن؛ با توجه به اظهارات صریح سران آمریکا و رژیم صهیونیستی مبنی بر حمایت از رسانه های مختلف نظیر شبکه های ماهواره ای، شبکه های اجتماعی، پیام رسانها و... برای از بین بردن مشروعیت و مقبولیت داخلی نظام، ایجاد جنبش های اجتماعی چند ماه اخیر را باید در این راستا ارزیابی کرد.

ششم- تلاش برای انحراف افکار عمومی از شکست های راهبردی استکبار- توجه به ترس و استیصال آمریکا و رژیم صهیونیستی از رویارویی مستقیم با ایران به دلیل غیر قابل پیش بینی بودن هزینه های این جنگ و پاسخ کوبنده و واقعی ایران اسلامی نظیر بمباران عین الاسد و هدف گرفتن پهپادهای آنان- آنها ترجیح داده اند از ضعف ها و کم کاری های موجود اقتصادی و طمع جریان نفوذ و جریان تحریف استفاده کرده و پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی غربی را در ایران تقویت کنند.

راهبردهای مقابله با جنگ رسانه ای در این مقطع

برای اینکه بهتر و صحیح تر بتوانیم موضع بگیریم، لازم است به نکات زیر توجه بیشتری داشته باشیم:

یک- دریافت یک تصویر درست از جنگ شناختی دشمن

در حال حاضر دشمن یک جنگ جهانی رسانه ای را بر علیه ایران انقلابی راه انداخته است. سرزمین و جغرافیای مورد هدف، این بار افکار و اذهان و قلوب مردم ایران، به خصوص نسل جوان است. استکبار درصدد است با آتش بازی انبوه اطلاعات راست، دروغ، تلفیقی از خبرهای راست و دروغ، اطلاعات مغشوش و انباشته در فضا، شبهه سازی و شبهه پراکنی، فضایی از ابهام و تردید و دل شوره و ناامیدی را به وجود آورده و با تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، اذهان و دل‌های مردم را در حالتی شبیه تصرف و اشغال درآورد. این شرایط باعث می شود:

۱. بسیاری از مردم نسبت به سخنان و موضعگیری های مسئولان بی توجه یا بدبین باشند.

۲. برخی نسبت به اصلاح روندها در دستگاه ها و نهادها اظهار ناامیدی یا کم امیدي کنند.

۳. کم تدبیری ها و بی تدبیری ها و سوء تدابیر را به حساب کل نظام بگذارند.

۴. آستانه تحمل مردم پایین آمده و حوصله هر نوع سخن و موضع گیری را نداشته باشند.

۵. وضعیت کرونایی، مشکلات متزاید اقتصادی، برنامه ریزی های متزلزل و ناهماهنگی های مدیران نیز مزید بر علت شده است.

در این شرایط دشمن تلاش دارد، افکار را از مسائل سیاسی مانند انتخابات و... به معضلات اجتماعی، مانند طلاق و بیکاری، اعتیاد سوق داده و به سمت موضوعات فرهنگی مانند بدحجابی، فیلترینگ و... بکشانند. محور اصلی فعالیت دشمن نیز «دو گانه سازی» است. در این آتش بازی رسانه ای هر نوع اتفاق بزرگ یا کوچک، یک سخنرانی یا مصاحبه، یک خطبه یا نوشته، یک اقدام یا حرکت، دستمایه حمله دشمنان شیطان صفت قرار گیرد.

در جنگ رسانه ای جلب اعتماد مخاطبان از طریق ارائه گزارش هایی با بیان بخشی از واقعیت و استفاده از تصاویر غلط و ناکامل صورت می گیرد. بر این اساس در راستای اهدافی از پیش طراحی شده به جریان سازی خبری پرداخته می شود. به بیان دیگر، تفسیر و تاویلی که این رسانه ها از اخبار ارائه می دهند، در راستای اهداف از پیش طراحی شده است.

حقیقت را وارونه جلوه می دهند و سعی می کنند با نشان دادن بخشی از واقعیت، دیدگاه خود را در قالبی پوشیده و مستتر در درون گزارش ها ارائه کنند. از این رو بردن ذهن افکار عمومی به دورترین نقطه از واقعیت و پررنگ نشان دادن اخبار در راستای گفتمان مورد نظر در کنار استفاده از تکنیک های عملیات روانی همچون برجسته سازی حاشیه ها و چشم پوشی از حقیقت، یکی از اصلی ترین راهبردها در جنگ رسانه ای است. این یک تصویر از شرایط کنونی ما در جنگ رسانه ای است.

دو- در چنین شرایطی راهبرد جاودانه قرآنی و روایی

قول سدید باید مورد توجه ما باشد. قول سدید بهترین جان پناه برای جنگ تبلیغاتی و روانی و رسانه ای در برابر استکبار رسانه ای است. قول سدید، مصونیت بخش و امنیت آفرین است. قول سدید فرصت ساز و تهدیدسوز است. قول سدید، جبهه خودی را سرفراز می کند و بهانه را از دشمن می گیرد. قول سدید باری از دوش ولی امر برمی دارد نه اینکه باری بگذارد.

در خصوص قول سدید، چرایی و چگونگی، راهبرد ها و راهکارهای آن و نحوه بهره برداری شایسته از آن موارد مهمی علاوه بر آنچه گفته شد وجود دارد که در یکی از شماره های نشریه به آن بطور مبسوط خواهیم پرداخت.

بازگشت دوباره سعد حریری و اما و اگرهای آن!

لبنان برای ما یک کشور راهبردی در جبهه مقاومت است. طبیعی است که نسبت به حوادث آن و رصد اتفاقاتی که در آن کشور در جریان است، حساس باشیم. و آنرا پیگیری کنیم. بازگشت دوباره سعد حریری، واقعه‌ی مهمی به شمار می‌آید آن هم یکسال پس از استعفای نابهنگام او از صدارت لبنان. این مقاله، به برخی سئوالات در این باره، پاسخ می‌دهد.

مروری کوتاه بر حوادث یکسال گذشته لبنان

یکسال قبل و در آبان ماه گذشته بود که آشوب‌های لبنان به بهانه مبارزه با فساد اقتصادی - همزمان با عراق - اوج گرفت و چندی بعد ایران نیز در ۲۶ آبان ماه با آشوب‌های بنزینی روبه‌رو شد. گویا طراحی این بود که سه کشور حوزه مقاومت، با پروژه بی‌دولتی یا دولت بی‌سر مواجه شوند. سعد حریری اولین استعفا را - علی‌رغم قول اولیه و مخالفت حزب الله - رقم زد و لبنان را در شرایطی پراز ابهام فروبرد. برخلاف پیش‌بینی جبهه ۱۴ مارس، که هم پیمانان آمریکا و آل سعود هستند، دیری نپایید که در کمتر از ۴ ماه حسن دیاب مامور تشکیل کابینه گردید و علی‌رغم دشواری‌ها و سنگ‌اندازی‌ها و مشکلات اقتصادی و بیماری کرونا، تا حد زیادی از خود توانمندی نشان داد. امری که بر حامیان غرب، بسیار سنگین آمد و فشارهای

مختلفی بر کابینه او وارد شد تا از هم بپاشد. انفجار مهیب و ویرانگر بندر بیروت، موجب شد، حسن دیاب دوام نیاورد و یک هفته بعد، استعفا کند.

رایزنی‌های دوباره سیاستمداران و دخالت‌های فرانسه موجب شد تا چند هفته بعد «مصطفی ادیب» به نخست وزیری برسد و برای تشکیل کابینه تلاش کند. سنگ اندازی‌های سعد حریری بر سر راه تشکیل کابینه و سهم‌خواهی‌های غیر معقول او، موجب شد تا مصطفی ادیب در ۵ مهرماه مجبور به استعفا شود و لبنان دوباره گرفتار بی‌دولتی گردد. گویا برای آمریکا خوشایند نبود که فرانسه بتواند مشکلات لبنان را حل و فصل کند. بنابراین در پشت صحنه‌ی ماجرا آمریکا و عربستان بازی‌سازی کرده و سعد حریری بازیگر صحنه شد تا نگذارد کار مصطفی ادیب که نزدیک به کاخ الیزه بود به سرانجام برسد. این بار مجدداً، سعد حریری پس از بازیگری‌های بسیار، آمادگی خود را برای تشکیل کابینه اعلام کرد و در روز پنجشنبه اول آبان ماه، با کسب ۶۵ رای از ۱۲۰ رای و با موفقیتی لرزان و لغزنده مامور تشکیل کابینه لبنان گردید.

چرایی عدم مخالفت حزب الله با سعد حریری

برخی بر این باورند که تمام آنچه در یکسال گذشته اتفاق افتاد سناریو سعد حریری و اربابان او برای بی‌ثباتی لبنان بوده است. آن‌ها می‌خواستند در آشوب‌ها و فتنه‌های اجتماعی و اقتصادی و مذهبی که راه می‌اندازند حزب الله را دچار خطای محاسباتی

کرده و سید مقاومت را دچار اختلال در مواجهه با رقیب داخلی خود کنند، اما این بار نیز تیرهایشان به سنگ خورد و هر بار حزب الله با مواجهه هوشمندان، نقشه‌های آن‌ها را نقش بر آب کرد. در ماجرای اخیر نخست وزیری سعد حریری نیز، موضع فراکسیون حزب الله در مجلس لبنان، عدم مخالفت و همراهی بود، زیرا بی‌دولتی بسیار بدتر از وجود دولتی، مانند دولت سعد حریری است. این نوع نگاه از فهم راهبردی و کلان‌نگری حزب الله و رهبری هوشمند آن بر می‌خیزد که ثبات و آرامش و امنیت کشورش را در اولویت اول قرار می‌دهد و دست دشمن را در توطئه‌های شیطانی غربی‌ها، می‌بیند و لایه‌های پنهان تحرکات آن‌ها را تشخیص داده و ماهرانه و همزمان در دو جبهه داخل و خارج، دشمنان مقاومت را مات می‌کند. حزب الله آنقدر توانمند است تا بتواند از کسی مانند سعد حریری برای پیشبرد اهداف مقاومت استفاده کند. کما این که در حال حاضر اگرچه ولید جنبلاط و سمیر جعجع دو متحد دیرین حریری از او دل‌خوشی ندارند، اما حزب الله، در این میان، با بی‌طرفی و مواجهه مناسب، بهانه را از دست دشمنانش گرفته است و نشان داده است بیش از هر حزب و جناح و گروهی لبنان و حل مشکلات آن برایش اولویت دارد.

سعد حریری و مخاطرات پیش روی او

درست است که سعد حریری با توافق پشت صحنه آمریکا و عربستان و امارات و همراهی اجباری مکرون و برخی احزاب لبنانی به نخست وزیری رسیده است اما او

بهرتر از هر کس می‌داند که با چه مشکلاتی روبه‌رو است. برخی از این مخاطرات عبارتند از:

یک- هدف اصلی بازگشت مجدد حریری، قرار گرفتن در برابر جریان مقاومت و رو در رو کردن افکار عمومی با این جریان و سرانجام رسیدن به هدف دیرین استکبار؛ خلع سلاح حزب الله است، این در حالی است که علاوه بر اکثریت مجلس که حامی مقاومت است اکثریت مردم لبنان از هر مذهب و قوم، حامیان مقاومت هستند با این بازی‌ها دست از حمایت خود بر نخواهند داشت. لذا حریری قطعاً در هدف آرمانی خود، موفق نخواهد شد. اگرچه او هم پیمانان داخلی و منطقه‌ای‌اش، هرگز از رو نخواهند رفت و تا آخرین امکان، دست از توطئه برنخواهند داشت.

دو- از جمله این شیطنت‌ها که احتمالاً شروع خواهد شد، تلاش برای تشکیل کابینه‌ای با حذف وزرای اصلی جریان مقاومت، برای تسهیل در پیشبرد اهداف آمریکا و صهیونیسم است. این نیز البته بسیار دشوار است، زیرا اکثریت مجلس لبنان حامی مقاومت هستند. گرچه در نهایت هم، حضور در کابینه و دولت، موضوعیت زیادی برای حزب الله ندارد و قدرت حزب الله وابسته به حضور یا عدم حضور در کابینه نیست.

سه- مشکل دیگر سعد حریری توافق همه جناح‌ها برای رسیدن، به یک کابینه است که با توجه به شرایط موجود در لبنان، کاری بس دشوار است و اگر توافقی هم بشود، تداوم آن بسی سخت‌تر خواهد بود.

چهار- تکراری بودن سعد حریری و برنامه‌های او، هوای تازه در فضای لبنان نیست. او که تابعیت فرانسوی - لبنانی دارد حتی در میان خانواده خود- برادران و خواهرانش- نیز محبوبیتی ندارد. لذا با عنایت به این که او و جناحش سی سال در راس کار بوده‌اند، اکنون که اولویت اولش باید تهیه برنامه ضدفساد باشد، چندان مورد قبول مردم واقع نخواهد شد.

پنج- لبنان امروز با یک بدهی صد میلیارد دلاری مواجه است! این برای لبنان یک فاجعه اقتصادی است. انفجار بندر بیروت و تخریب و آسیب دیدگی ۳۰ هزار واحد مسکونی و بازسازی بندر بیروت و تاسیسات آن که بیش از ۱۵ میلیارد دلار می‌شود به اضافه هزینه صدها هزار آواره، بار سنگینی است که او و کابینه‌اش، باید بر دوش بکشند.

آیا سعد حریری، می‌تواند هفتاد و هفتمین کابینه لبنان پس از استقلال از فرانسه را تشکیل دهد؟ آیا پس از تشکیل دولت از پس تعهدات خود در ساماندهی اقتصاد لبنان، برخوردار خواهد آمد؟! در آینده نه چندان دور مشخص خواهد شد. اما آنچه بیش از همه مشخص است، قدرت رو به افزونی جریان مقاومت، علیرغم همه توطئه‌های این

جریان است. لبنان برای فائق آمدن بر مشکلاتش راهی جز تحقق گفتمان مقاومت و حرکت از آن مسیر ندارد.